

آزاده رزاق دوست

AZADEH RAZAGHDOOST



“سایه‌های عدن”
“SHADOWS OF EDEN”



بدون عنوان از مجموعه سایه‌های عدن، رنگ روغن روی بوم، ۱۲۰×۱۸۰ سانتی‌متر، ۱۳۹۱
Untitled from the Shadows of Eden series, oil on canvas, 180x120 cm, 2012

بدون عنوان از مجموعه سایه‌های عدن، رنگ روغن روی بوم، ۴۰×۳۰ سانتی‌متر، ۱۳۹۲
Untitled from the Shadows of Eden series, oil on canvas, 40x30 cm, 2013



بدون عنوان از مجموعه سایه‌های عدن، رنگ روغن روی بوم، ۴۰×۳۰ سانتی‌متر، ۱۳۹۲
Untitled from the Shadows of Eden series, oil on canvas, 40x30 cm, 2013





بدون عنوان از مجموعه سایه‌های عدن، رنگ روغن روی بوم، ۱۲۰×۱۸۰ سانتی‌متر، ۱۳۹۱
Untitled from the Shadows of Eden series, oil on canvas, 180x120 cm, 2012

بدون عنوان از مجموعه سایه‌های عدن، رنگ روغن روی مقوا، ۲۴×۳۲ سانتی‌متر، ۱۳۹۱
Untitled from the Shadows of Eden series, oil on cardboard, 24x32 cm, 2012





بدون عنوان از مجموعه سایه‌های عدن، رنگ روغن روی بوم، ۴۰×۳۰ سانتی‌متر، ۱۳۹۲
Untitled from the Shadows of Eden series, oil on canvas, 40x30 cm, 2013

بدون عنوان از مجموعه سایه‌های عدن، رنگ روغن روی بوم، ۸۰×۶۰ سانتی‌متر، ۱۳۹۲
Untitled from the Shadows of Eden series, oil on canvas, 80x60 cm, 2013



بدون عنوان از مجموعه سایه‌های عدن، رنگ روغن روی بوم، ۸۰×۶۰ سانتی‌متر، ۱۳۹۲
Untitled from the Shadows of Eden series, oil on canvas, 80x60 cm, 2013



هنر مدرن و باغ عدن

تجربه‌ی هنر به مانند تجربه‌ی جهانی است که به انتها رسیده باشد....[جهانی] که به وجود ناب و عریان فرو کاسته شده، مثل وجود ارواح و سایه‌هایی که اولیس در هادس ملاقات می‌کند، جایی که زندگی در سایه‌ای محو می‌شود.

امانوئل لویناس

باغ عدن استعاره‌ی روشنایی و شکفتگی، مکانِ سعادت و قربات، الگوی اصیل جوانی دهکده‌ای است که صد سال تنهایی مارکز با توصیفِ آن آغاز می‌شود: «بناشده در کناره‌ی رودخانه‌ای از آب زلال که بر بستری از سنگ‌های جلاخورده می‌دوید...». جز جوانی و نور، جادو نیز این دو مکان را به رمان مارکز وصل می‌کند، یعنی همان اسم رمزی که دروازه‌ی هنر و سخن گفتن از آن را می‌گشاید. اما پیش از جادو، خود باغ عدن است که به نوعی تکلیف هنر را مشخص می‌سازد. هنرمند ماقبل مدرن که هنرش در خدمتِ دین و مناسک آئینی بود، رسالت خود را تقلید از عمل خلاقِ آفریننده می‌دانست؛ چنان‌که به تفسیر والتر بنیامین، آدم ابوالبشر در عمل نام‌گزاری بر مخلوقات، عمل خلاق خداوند را تکرار می‌کرد. زبان آدم ابوالبشر انعکاس آوای صامت طبیعت بود که به گوش شنوای او می‌رسید. با هبوطِ جهان، طبیعت نیز آوای خویش را از دست داد و زبان بشر به رسانه‌ی اطلاعات و معرفت مفهومی بدل شد. هنر مدرن که هرگونه پیوندی را با بهشت از دست داده است، رسالتش حذف این سویه‌ی اضافی یا ناشی از هبوط زبان است، یعنی تن‌زدن از رسانه‌ی اطلاعات و معرفت مفهومی بودن. پژوهاک این بینش در دامنه‌ی وسیعی از تأملات در باب هنر مدرن شنیده می‌شود، مثلاً در این حکم لویناس که «هنر در تقابل با دانش است. هنر ... فرا رسیدن شب است، نوعی هجوم سایه‌ها. اگر این موضوع را در چارچوب الاهیاتی بیان کنیم هنر [مدرن] به نظام وحی یا مکاشفه تعلق ندارد؛ همچنان که به نظام آفرینندگی یا خلق کردن». هنر مدرن هنر نور سیاه و سایه‌ها است. از طرفِ دیگر، نقاش مدرن دیگر تابلوش را با تصویر نمی‌پوشاند، بلکه آن‌را از هر تصویر و هر چیز دیگری پاک می‌کند: مربع‌های سیاه و سفید مالویچ و پاک کردن نقاشیِ دکونینگ به دستِ جاسپر جانز ترجمه‌ی سرراست چنین نگرشی‌اند.

سایه‌های عدن

نقاشی‌های این مجموعه را می‌توان به شکلی فاضلانه، با تابلوهای مریلین مونرو، میک جگر و مائوی اندی وار هول قیاس کرد که تکرار عکسی واحد و محوشونده از یک الگو هستند یا به نحوی با حکم «نقاشی کردن از جهان خالی‌شده از ابژه»ی لویناس توضیح‌شان داد، یا سادگی و غلبه‌ی موحش فضاهای خالی تابلوها را نوعی «نقاشی بی‌چیز» (به قیاس از «تئاتر بی‌چیز» گروئفسکی) بنامیم. این مجموعه تابلوها تکرارِ جزئی (عمدتاً برگ‌ها) از چند گل یا گیاه، در یک یا دو رنگِ کمرنگ‌اند که اندک‌اندک رو به محوی می‌گذارند، محوشدنی که همان عنصر یا شکل بصری را نیز مبتلا می‌سازد. گرد آمدن این مجموعه تابلوها کنار یکدیگر ضرب‌آهنگی را شکل می‌دهند، البته نه به معنای معمول موسیقایی اش که ناظر به قاعده‌ی درونی نظام هنریِ این آثار است، بلکه به معنای شیوه‌ای که اجزای یک تابلو و همچنین کل تابلوهای مجموعه خود را به مخاطب تحمیل می‌کنند و بدین‌صورت، از واقعیت برکنده می‌شوند. سادگی و بی‌چیزیِ این تابلوهالقاء‌کننده‌ی نه نقصان یا کمبودی بلکه کامل‌شدگی و واحد بودن‌شان است. ضرب‌آهنگ در اینجا گویای موقعیتی است که تابلوها خود را به روی ما می‌گشایند بدون آن که ما آن‌ها را گشوده باشیم، حتا گویا همراه با گشودگی تابلوها به روی ما، ما نیز خود را به روی آن‌ها می‌گشائیم. در این ضرب‌آهنگ است که من/ چشم جای خود را به مکانی می‌دهد که در آن تابلو و بیننده در اجتماعی شریک می‌شوند که وجهی (mode) دیگر از بودن را تجربه می‌کنند.* این وجه از بودن، نه بودن در آگاهی است و نه بودن در ناخودآگاهی، بلکه تجربه‌ی برخاستن از خواب است که در آن، جهان را هاله‌ای از تازگی و ناواقعیت پوشانده است. این توصیف نظیر همان توصیفی است که شارل بودلر در مقاله‌ی نقاش زندگی، درباره‌ی نقاشی‌های کنستانتن گی، آن را با اصطلاح «دیدنِ جهان پس از برخاستن از بستر بیماری‌یی طولانی» بیان می‌کند و یکی از نخستین و پیشتازترین صورت‌بندی‌های مدرنیسم را ارائه می‌دهد.

شهریار وقتی پور -زمستان ۱۳۹۲

Modern Art and Garden of Eden

The experience of art is an experience after the world has come to an end.... When reduced to pure and naked existence, like the existence of the shades Ulysses visits in Hades, life dissolves into a shadow.

Emmanuel Levinas

The Garden of Eden, a metaphor for light and blossoming, the place for happiness and proximity, is the original exemplar of the youth of a village described in the beginning of the novel One Hundred Years of Solitude by Marquez: “... built on the bank of a river of clear water that ran along a bed of polished stones...” Besides youth and light, it is the concept of magic that bridges the two places to Marquez’s novel. It is the shibboleth that unlocks the gate to the realm of art and all discussions about it. But before magic, it is the Garden of Eden itself that somehow characterizes art. The pre-modern artist whose art used to serve religion and rituals, considered his mission to be imitating the creative act of the Creator; or as Walter Benjamin puts it, the Adamite used to replicate the creative act of God in naming the creatures. The immediacy or magic of Adamite language was the echo of the silent talks of nature reaching his attentive mind. After the fall from paradise, nature, too, lost its call and man’s language took an instrumental and communicative character. Modern art that misses any link to Eden, thus, is due to obliterate this surplus aspect of language, refusing to act as a medium to convey information and conceptual knowledge. Within so many artistic theories and reflections on art, this understanding has had repercussions. For instance, Levinas states “Art ... contrasts with knowledge. It is ... a descent of the night, an invasion of shadow. To put it in theological terms: [modern] art does not belong to the order of revelation. Nor does it belong to that of creation”. Modern art is the art of dark light and shadows. On the other hand, the modern artist nevermore fills his canvas with image. Rather, he eradicates it from all kinds of visuals: Malevich’s black and white squares and Jasper Johns’ wiping out De Kooning’s drawing are standard translations of such approach.

Shadows of Eden

The paintings from the *Shadow of Eden* series could be, however roughly, compared with Andy Warhol’s works such as his pictures of Monroe, Mick Jagger or Mao which are fading repetitions of a single picture. They could also be explained in respect of Levinas’s statement saying “to paint a world that is emptied of objects”. Or described as “poor painting” (as in Grotowski’s poor theater) because of the simplicity and daunting dominance of negative space in each one of them. In the paintings, parts of flowers or plants (mostly leaves) are reiterated in one or two faint colors and faded away gradually. And the process of fading away has afflicted the visual form as well.

The coming together of these particular paintings creates a rhythm, not in its usual sense as in music that witnesses the inner law of the artistic order of the works, but as a means by which parts of a single painting, as well as the entire works of the series impose themselves on viewers, and hence, disengage themselves from reality. The incompleteness and destituteness of the paintings invoke neither deficiency nor scarcity but completeness and unanimity. Rhythm, here, embodies a situation in which the paintings open up to us without us having asked for it. Or rather, their entry into us is one with our entry into them. It is in this rhythm that I/eye are replaced by a place in which artworks and viewers contribute to a community whereby another mode of being is experienced*. This mode of being is not being in both consciousness and unconsciousness but of waking from a dream, of a state of being shrouded in aura of virgin novelty and unreality. This formula is as the very explanation that was presented by Charles Baudelaire in his “The Painter of Modern Life” about Constantin Guys. It said of a state of seeing the world after a prolonged malaise, of a state which is one of the first, forerunner formulas of modernism.

Shahriar Vaghfpour- Winter 2013

^[*] The main technique of modernism is being faithful of an artwork to its own medium. On the one hand, the word of milieu comprises of Latin word of medius, that is the original form of medium, and lieu, Latin word for place. On the other, medius means mode too

^[*] صنعت اصلی مدرنیسم را می‌توان این‌گونه تفسیر کرد، چرا که با به تفسیری هگلی از زیباشناسی کانتی، غایت هنر مدرنیستی آن است که رسانه‌ی (medium) ناب، یعنی تحقق ایده‌ی رسانه‌ی خاص خود باشد. از طرف دیگر، اجتماع یا milieu مرکب است از medius یا همان medium (رسانه یا واسطه) و lieu به معنای مکان. از طرف دیگر، medius به معنای mode یا وجه نیز است.

AZADEH RAZAGHDOOST

1979 Tehran, Iran Education 2002 BA Painting, University of Art, Tehran 1997 Diploma in Painting, Academy of Fine Arts, Tehran
Solo Exhibitions 2013 Shadows of Eden, Assar Art Gallery, Tehran, Iran 2011 Letters, Assar Art Gallery, Tehran, Iran 2010 AB
Gallery, Zurich, Switzerland 2007 Assar Art Gallery, Tehran, Iran 2006 Golestan Gallery, Tehran, Iran 2002 Atbin Gallery, Tehran, Iran
Selected Group Exhibitions 2013 Nature, Grand Hotel National Lucerne, Lucerne, Switzerland 2013 Assar Art Gallery, Tehran, Iran
2012 Alternative View, Three Generations of Iranian Women Artists, Pardis Mellat Art Gallery, Tehran, Iran 2010 VanGogh's Ear- Second
Cut, Gallery 10, Tehran, Iran 2010 Silent Position, Art Road Gallery, Hokkaido, Japan 2010 Nero Gallery, Wiesbaden, Germany 2010 AB
Gallery, Lucerne, Switzerland 2010 Silent Position, Maracaibo, Venezuela 2010 Haft Negah, Mellat Gallery, Tehran, Iran 2009 Across
Borders 3, Radical Gallery, Zug, Switzerland 2009 Writing Art 2, Janine Rubeiz Gallery, Beirut, Lebanon 2009 Masques of Shahrazad,
Candlestar Gallery, London, UK 2009 Iran, Silk Road Gallery, Tehran, Iran 2009 Iran on Paper, exhibition of collection belonging to
Fereydoun Ave, Aaran Gallery, Tehran, Iran 2008 Writing Art 1, Dar Al-Funoon Gallery, Kuwait 2008 Across Borders 1, Radical Gallery,
Zug, Switzerland 2008 Hope, Focus Gallery, Dubai, UEA 2008 Etemad Gallery, Tehran, Iran 2008 Mall Galleries, London, UK 2008
Abdollah House, Dar Al-Funoon Gallery, Kuwait 2007 Assar Art Gallery, Tehran, Iran 2007 Radical Drawing, Tehran Gallery, Tehran, Iran
2007 Song of Bulbuls of Oil-rich Lands, Esfahan Museum of Contemporary Art, Esfahan, Iran 2006 Fourth Painting Biennale of World of Islam, Saba
Cultural Centre, Tehran, Iran 2006 50 Contemporary Artists, Mah Gallery, Tehran, Iran 2006 Selected Artists of the New Generation, Homa Gallery,
Tehran, Iran 2006 Self Portraits, Iranian Artists' Forum, Tehran, Iran 2005 The Members of Badaneh Group painting exhibition, Day Gallery, Tehran,
Iran 2004 The Members of Badaneh Group painting exhibition, Barg Gallery, Tehran Iran 2004 Third Painting Biennale of World of Islam, Saba
Cultural Centre, Tehran, Iran 2004 Society of Iranian Painters, Iranian Artists' Forum, Tehran, Iran 2002 The Iranian Contemporary Drawing Annual,
Barg Gallery, Tehran, Iran 2000 Fereshteh Gallery, with Fereydoon Mambeigi, Tehran, Iran Public Collections The Vallpalou Foundation, Lleida, Spain
Art Fairs 2012 Art Fair Koln, Köln, Germany 2012 Abu Dhabi Art, Abu Dhabi, UAE 2011 Contemporary Istanbul, Istanbul, Turkey 2011 Kunst Zurich,
Zurich, Switzerland 2011 Munich Contempo, Munich, Germany 2011 Art Dubai, Dubai, UAE 2010 Art Dubai, Dubai, UAE 2008 Art Dubai, Dubai, UAE

آزاده رزاق دوست

۱۳۵۸ تهران، ایران تحصیلات ۱۳۸۱ لیسانس نقاشی از دانشگاه هنر، تهران، ایران ۱۳۷۶ دیپلم نقاشی از هنرستان هنرهای تجسمی، تهران، ایران برگزیده‌ی
نمایشگاه‌های انفرادی ۱۳۹۲ سایه‌های عدن، گالری اثر، تهران، ایران ۱۳۹۰ نامه‌ها، گالری اثر، تهران، ایران ۱۳۸۹ گالری آ.ب، زوریخ، سوئیس ۱۳۸۶ گالری اثر،
تهران، ایران ۱۳۸۵ گالری گلستان، تهران، ایران ۱۳۸۱ گالری آئین، تهران، ایران برگزیده‌ی نمایشگاه‌های گروهی ۱۳۹۲ طبیعت، گراند هتل ملی لوسرن، لوسرن،
سوئیس ۱۳۹۲ گالری اثر، تهران، ایران ۱۳۹۱ سه نسل زنان نقاش، پردیس ملت، تهران، ایران ۱۳۸۹ گوش ونگوگ، گالری ۱۰، تهران، ایران ۱۳۸۹ وضعیت سکوت،
گالری آرت ژود، هوکایدو، ژاپن ۱۳۸۹ گالری نرو، ویسبادن، آلمان ۱۳۸۹ گالری آ.ب، لوسرن، سوئیس ۱۳۸۹ وضعیت سکوت، ماراکایبو، ونزوئلا ۱۳۸۹ هفت
نگاه، گالری ملت، تهران، ایران ۱۳۸۸ فراسوی مرزها ۳، گالری رادیکال، زوگ، سوئیس ۱۳۸۸ هنر نوشتاری ۲، گالری چنین رویز، بیروت، لبنان ۱۳۸۸ ماسک‌های
شهرزاد، گالری کندل استار، لندن، انگلستان ۱۳۸۸ ایران، گالری راه ابریشم، تهران، ایران ۱۳۸۸ ایران روی کاغذ، نمایش مجموعه‌ی متعلق به فریدون آو، گالری
آران، تهران، ایران ۱۳۸۷ هنر نوشتاری ۱، گالری دارالفنون، کویت ۱۳۸۷ فراسوی مرزها، گالری رادیکال، زوگ، سوئیس ۱۳۸۷ امید، گالری فوکوس، دوی،
امارات متحده عربی ۱۳۸۷ گالری اعتماد، تهران، ایران ۱۳۸۷ گالری مال، لندن، انگلستان ۱۳۸۷ خانه عبدالله، گالری دارالفنون، کویت ۱۳۸۶ گالری اثر، تهران،
ایران ۱۳۸۶ گالری تهران، تهران، ایران ۱۳۸۶ آواز بلبلان در مزارع نفت، موزه هنرهای معاصر اصفهان، اصفهان، ایران ۱۳۸۵ چهارمین دوسالانه نقاشی جهان
اسلام، مرکز فرهنگی هنری صبا، تهران، ایران ۱۳۸۵ ۵۰ هنرمند معاصر، گالری ماه، تهران، ایران ۱۳۸۵ هنرمندان برگزیده‌ی نسل نو، گالری هما، تهران، ایران
۱۳۸۵ خودنگاره‌ها، خانه هنرمندان ایران، تهران، ایران ۱۳۸۴ نمایش گروهی نقاشی اعضای گروه بدنه، گالری دی، تهران، ایران ۱۳۸۳ نمایش گروهی
نقاشی اعضای گروه بدنه، گالری برگ، تهران، ایران ۱۳۸۳ سومین دو سالانه نقاشی جهان اسلام، مرکز فرهنگی هنری صبا، تهران، ایران ۱۳۸۳ نمایش
گروهی انجمن نقاشان ایران، خانه هنرمندان ایران، تهران، ایران ۱۳۸۳ نمایشگاه سالانه طراحی معاصر، گالری برگ، تهران، ایران ۱۳۷۹ گالری فرشته به
همراه فریدون مامبگی، تهران، ایران موزه‌ها و مجموعه‌های غیر خصوصی بنیاد ول پلو، لیبدا، اسپانیا نمایشگاه‌های بین‌المللی (آرت فرها) ۱۳۹۱ کلن،
آلمان ۱۳۹۱ ابوذی آرت، ابوذی، امارات متحده عربی ۱۳۹۰ کانتیمپوری استانبول، استانبول، ترکیه ۱۳۹۰ کونست زوریخ، سوئیس ۱۳۹۰ مونیخ کانتیمپو،
آلمان ۱۳۹۰ آرت دوی، دوی، امارات متحده عربی ۱۳۸۹ آرت دوی، دوی، امارات متحده عربی ۱۳۸۷ آرت دوی، دوی، امارات متحده عربی

www.assarartgallery.com

All rights reserved

No part of this publication maybe copied or transmitted

in any form or by any means without the prior written permission of Assar Art Gallery.

Printed in May 2013

Art Director & Graphic Designer: Iman Safaei - Dabestan Studio

Production Manager: Hooyar Asadian

تهران، کریم خان زند خیابان ایرانشهر کوی برفوشان، شماره ۱۶

کدپستی ۱۵۸۳۶ تلفن: ۸۸۳۲۶۶۸۹ فکس: ۸۸۳۴۳۹۴۷

16 BARFOROUSHAN ALLEY,

IRAN SHAHR ST., KARIMKHAN ZAND ST., 15836 TEHRAN-IRAN.

PHONE: (+9821)88326689 FAX: (+9821)88343947

info@assarartgallery.com

ASSAR
ART
GALLERY
نگارخانه اسرار